

نگاهی به پژوهشهای باستان‌شناسی شتر استخر^(۱)

احمد علی اسدی

نرم از حاشیه شمال و شمال غربی شهر استخر عبور می‌کند و بعد از ورود به مرودشت به طرف جنوب متمایل شده، کمی بالاتر از سد عظیم بند امیر به رودخانه کر می‌ریزد. از جهت شرقی، محدوده شهر استخر به درستی مشخص نیست. یک بریدگی احتمالاً غیر طبیعی (خندق؟) باعث جدا شدن قسمتهایی از شهر از محوطه اصلی و امروزی آن شده است. اگرچه در نقشه شهر استخر که توسط کرپرتر و برگر تهیه شده است (Schmidt 1939: 133) جهت شرقی شهر نیز کاملاً مشخص شده (نقشه ۲)، اما با مراجعه به عکسهای هوایی و توجه به پستی و بلندی زمین و پراکنش سفال در بخش شرقی می‌توان مرزهای شهر را از این سمت کمی جلوتر برد. قرار گرفتن شهر استخر در گلوگاه ورود رود سیوند به دشت مرودشت به این شهر موقعیتی ویژه در چگونگی تقسیم آب این رود و تسلط بر مناطق اطرافش داشته است (Whitcomb 1976: 369). علاوه بر این، راه ارتباطی شیراز به اصفهان که در حقیقت راه ارتباطی شمال و جنوب فلات ایران است از کنار استخر می‌گذرد و این امر بر اهمیت موقعیت ارتباطی این شهر می‌افزاید. شکل بیضی مانند نامنظم محوطه شهر (تپه) هم در عکس هوایی (تصویر ۱) و هم در نقشه شماره ۲ مشخص شده است (نقشه شماره ۲). قسمتهایی از باروی شهر را که به صورت برجستگی ممتدی نمودار است را می‌توان در جنوب غربی، غرب و شمال غربی محوطه مشاهده نمود. همچنین با توجه به عکسهای هوایی شهر شبکه‌ای از معابر و خیابانهای احتمالی را که برخی از آنها مخصوصاً در جهت غربی شهر نمودار است را می‌توان تشخیص داد. بیشتر سطح محوطه که در حاشیه‌ها با شیب ملایمی به زمینهای اطراف متصل می‌شود از نظر باستان‌شناسی ناشناخته باقی

چند ماه پیش هنگامی که متن این نوشتار را برای انتشار در شماره ۱۲ پایستان پژوهی به نزد دوست گرامی و از دست رفته‌ام، «گودرز صفری»، بردم هرگز فکر نمی‌کردم مقدمه‌ای که بر آن خواهم نوشت یادنامه‌ای در سوگ او باشد. با این حال و برغم آنکه وجودی گرانقدر از میانمان رخت بر بسته، مرگ او را هرگز باور نخواهم کرد... گودرز زنده است و گودرز نامه‌ها روایتگر آغازی دیگر خواهند بود.

□□□

شهر استخر واقع در ضلع شرقی دشت مرودشت بین سالهای ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۷ توسط هرتسفلد و اشمیت مورد کاوشهای باستان‌شناسی قرار گرفت. با این حال، تاکنون مطالب بسیار کمی در مورد این کاوشها انتشار یافته است. نوشتار حاضر کوششی است در جهت معرفی مختصر این محوطه.

محوطه باستانی شهر استخر با وسعت تقریبی ۹۰ هکتار در ۷ کیلومتری شمال تخت جمشید واقع گردیده است. استخر از نظر جغرافیایی دارای موقعیت ویژه‌ای است (نقشه ۱). دره رود پلوار (۲) که در نزدیکیهای مرودشت دارای جهت شرقی-غربی است، قبل از رسیدن به دشت مرودشت و در ابتدای ورود به آن به علت قرار گرفتن در میان دو رشته کوه (کوه رحمت و کوه حسین) باریک می‌شود. در این حالت در جهت جنوبی دره دامنه‌های شمالی کوه رحمت و در جهت شمال، دیواره ممتد کوه حسین قرار دارد. شهر استخر در همین موضع (متماثل به کوههای رحمت) و در میان دره قرار گرفته است. محدوده غربی محوطه استخر را می‌توان ابتدای دشت مرودشت از سمت شرقی دانست. رود پلوار قبل از رسیدن به دشت مرودشت و در ابتدای ورود به آن با پیچشی

فرضیه مستلزم اعتقاد به دو مرکز جمعیتی بزرگ در کنار یکدیگر است که این امر غیرمحمتمل به نظر می‌رسد. احتمالاً استخر در دوره هخامنشی بیشتر به عنوان یک پایگاه ارتباطی و میان راهی بین تخت جمشید و پاسارگاد و به طور کلی شمال فلات ایران مطرح بوده است. البته تنها در سایه کاوشهای این محوطه است که می‌توان با قطعیت در مورد درستی یا نادرستی این فرضیه قضاوت کرد.

از دوره حاکمیت کوتاه سلوکیها و همچنین دوران پارتها اطلاع دقیقی در متون در مورد استخر در میان نیست. به نظر میرسد تاریخ استخر نیز در این دوره همانند دیگر مناطق فارس در حاله ای از ابهام و پیچیدگی فرو رفته باشد. البته این امر که حاکمان محلی فارس (فرته‌دازان) احتمالاً به صورت خودمختار این منطقه را در کنترل داشته‌اند تا حدود زیادی با توجه به متون تاریخی و آثار زیادی (مخصوصاً سکه‌هایی) که از آنها به دست آمده قابل اثبات است (لوکونین ۱۳۷۲: ۳۹). ولی در مورد چند و چون روابط آنها با حکومت مرکزی و همچنین وضعیت اداره فارس توسط آنها ابهامات زیادی وجود دارد. شهر استخر نیز از این مقوله مستثنی نیست و تنها می‌توان به طور کلی گفت که در این دوران به عنوان پایتخت فارس و شهر ضرب سکه مطرح بوده است (Schmidt 1939: 105).

تالیس امپراتوری ساسانی در سال ۲۲۴ میلادی توسط اردشیر بابکان را می‌توان آغاز و اوج و اهمیت استخر دانست. اهمیتی (که احتمالاً اگر چه نه با همان شدت آغاز) تا انتهای این سلسله حفظ شد. در این دوران استخر به صورت خانه سنتی ساسانیان درآمد. طبق متون تاریخی دودمان و نیاکان اردشیر ساسانی در شهر استخر زندگی میکردند. ساسان و بابک پدر و نیای اردشیر اول ساسانی موبد موبدان آتشکده بزرگ آنهیتای استخر^(۴) که یکی از پرستشگاههای بزرگ زردشتیان به شمار می‌رفته است، بوده‌اند (سامی ۱۳۴۲: ۲۰۴). قدیمی‌ترین ذکر نام استخر در زمان ساسانیان در کتیبه ای به خط پهلوی (مربوط به شاپور سکاانشاه) در دیواره یون جنوبی کاخ تچر داریوش در تخت جمشید آمده است (سامی ۱۳۴۲: ۲۰۰). همچنین در کتیبه شاپور اول در کعبه زردتشت از «ملکه استخر» (لوکونین ۱۳۶۵: ۵۰) نام برده شده است. هر چند که این عبارت تا چه حد با شهر استخر در ارتباط است خود میحتی جدآگانه را می‌طلبد. استخر در دوران ساسانیان وضعیتی شبیه به تخت جمشید در دوران هخامنشیها داشته است همانگونه که شوش، همدان و بابل از نظر اداری در دوره هخامنشیان از اهمیت بیشتری نسبت به تخت جمشید برخوردار بودند. استخر نیز با اینکه دیگر پایتختهای ساسانی نظیر بیشاپور و تیسفون از نظر اداری از آن با اهمیت تر بودند، ولی به خاطر اینکه خاستگاه ساسانیان بود اهمیت سمبلیک و نمادین خود را تا انتهای سلسله ساسانی حفظ کرد (Schmidt 1939: 106). دلیل بر این امر نیز می‌توان از تاجگذاری یزدگرد سوم ساسانی، آخرین پادشاه این سلسله در معبد آنهید استخر نام برد (کرستن سن ۱۳۷۸: ۳۵۸). همچنین علاوه بر آتش مقدس ممکن است که نشانهای سلطنتی و جواهرات شاهی در استخر نگهداری می‌شده است (Schmidt 1939: 106).

با ورود اسلام به ایران، شهر استخر نیز مانند بسیاری دیگر از شهرها و مراکز دیگر دستخوش تحولات و حوادث بسیاری گردید. هنگام ورود

مانده است و جز باقی مانده های چند سازه معماری متفرق در محوطه که به تعدادی از آنها خواهیم پرداخت هیچ نشانه‌ای از آثار شهر باستانی (استخر) بر سطح آن دیده نمی‌شود. هسته حصارکشی شده شهر استخر (محوطه ای) را که ما امروزه با عنوان باقی مانده های شهر باستانی استخر می‌شناسیم) منطقه ای را به طول ۱۴۰۰ متر از شرق تا غرب و ۶۵۰ م از شمال تا جنوب شهر را در برمی‌گیرد بلندترین نقطه تپه (محوطه شهر) با ۱۶ متر ارتفاع در جنوب غربی آن قرار دارد و میانگین ارتفاع تپه نیز در حدود ۱۰ متر است (Schmidt 1939: 107).

پیشینه تاریخی

«استخر» در ایام ملوک فرس دارالملک ایشان بوده است و به آغاز گیومرث چیزی بنا کرده بود و هر پادشاه کی می‌نشست بر آن زیدتی میکرد و تهمورث، بر خصوص بسیار عمارت آن کرد و چون پادشاهی جهان به جمشید رسید، آن را به شهری عظیم کرد چنانکه، بلوک آن از حد خفرک تا آخر رامجرد بود، مسافت چهار فرسنگ در عرض ده فرسنگ» (فارسنامه ابن بلخی ۱۳۷۴: ۲۹۵). این جملات از فارسنامه ابن بلخی (هر چند با واقعیت های تاریخی فاصله دارد)، نشانگر سابقه طولانی (زمان گیومرث و جمشید) و عظمت و گستردگی (کوره) استخر^(۳) در دوره‌های مختلف است. در شاهنامه فردوسی نیز اشارات متعددی به شهر استخر شده است مثلاً در شرح پادشاهی هرمز آمده است:

ز سالی به استخر بودی سه ماه

که کوتاه بسودی شبان سیاه (۵۶: ۱۳۸۰)

با توجه به این امر و همچنین با در نظر گرفتن موقعیت ویژه شهر از نظر طبیعی و همچنین آثار برجای مانده کاملاً روشن است که این محوطه همزمان با آغاز دوران تاریخی منطقه (دوران هخامنشی) دارای استقرار بوده است. استخر دقیقاً بر سر راه تخت جمشید به پاسارگاد واقع شده است و با توجه به تردد زیاد این مسیر در طول دوره هخامنشی و موقعیت جغرافیایی حساس آن زمینه‌های زیادی برای پیشرفت این محوطه وجود داشته است. به احتمال فراوان این محوطه محل زندگی مردم عادی در دوران شکوه و آبادانی تخت جمشید بوده است (Schmidt: 1939: 105). شواهد متعدد دیگری نیز در متون تاریخی وجود دارد که نشان می‌دهد این شهر به احتمال قوی در دوران هخامنشیان یک مرکز مهم بوده است. در این باره هرتسفلد معتقد است: «نشست سال ۱۳۱۶ سرداران اسکندر در تخت جمشید برای تقسیم ساتراپیهای هخامنشی بین خود که دیودور سیسیلی آن را نقل کرده، به احتمال زیاد در استخر صورت گرفته است و تخت جمشید ویران شده مکان مناسبی برای این امر نبوده است» (هرتسفلد ۱۳۸۱: ۲۸۲). با این وجود اگر ما بپذیریم که محدوده شهر پارسه اطراف تخت جمشید را در برمی‌گرفته است (امری که امروزه به واسطه کاوشهای اطراف تختگاه تخت جمشید و بررسیهای ژئوفیزیک-باستان‌شناسی تا حدودی قابل اثبات است) در این صورت به نظر نمی‌رسد که محدوده ای که ما امروزه به عنوان شهر استخر می‌شناسیم در دوره هخامنشی دارای استقرار گسترده‌ای بوده باشد. زیرا قبول این

به اوایل هزاره چهارم قبل از میلاد می‌رساند (Schmidt 1939:105). در دوره‌های بعد نیز طبق بررسی‌های صورت گرفته به وسیله سامنر (سامنر ۱۳۷۷:۴۷) و همچنین نظر به حضور ایلامیها در مرودشت در هزاره دوم قبل از میلاد (از آثار حضور ایلامیها در هزاره دوم قبل از میلاد در مرودشت می‌توان نقش برجسته ایلامی نقش رستم اشاره کرد) و با توجه به موقعیت مناسب استخر جهت سکونت این محوطه احتمالاً دارای استقرار ایلامی نیز بوده است (Schmidt: ۱۹۳۹:۱۰۵). در دوره‌های تاریخی آثار به جای مانده در استخر به وضوح نشانگر استقراهایی از دوره هخامنشی تا پایان سده هشتم هجری است (Schmidt 1939:105).

در مرکز محوطه شهر استخر و تا حدودی متمایل به ضلع جنوبی شهر باقی مانده‌های سنگی یک بنا برجای مانده است (تصویر ۳) که با توجه به نتایج کاوشهای این محوطه و همچنین تطبیق پلان و معماری آن با نوشته‌های جغرافیدانان و مورخین مسلمان به عنوان محل اولین مسجد ساخته شده توسط مسلمانان در استخر شناخته شده است. برخی سنگهای به کار رفته در بنا و ستونهای قاشق تراشی شده که هنوز یکی از آنها تا نیمه پا برجا مانده، نشانگر استفاده از مصالح دوره‌های مختلف تاریخی (از هخامنشی تا ساسانی) در این بنا است. این بنا توسط هرتسفلد کاوش و پلان آن به طور کامل مشخص شده است (نقشه شماره ۲). با توجه به توصیفات مقدسی (Muqaddasi) از مسجد استخر می‌توان گفت که باقی مانده‌های این بنا تا حدود زیادی با بنای توصیفی او منطبق است (Whitcomb 1976:363)، اما مسئله پیچیده و مبهم این است که آیا بنای مسجد استخر بنایی است که به طور کامل در دوره اسلامی و با مصالح دوره هخامنشی ساخته شده و یا بنایی عمومی (یا احتمالاً آتشکده‌ای) بوده است که در دوره اسلامی تغییر کاربرد داده شده و به صورت مسجد درآمده است. هرچند برخی محققان هخامنشی بودن ساختار اصلی بنا را به دلیل کاربرد ملاط گچ در پی ستونها زیر سوال برده‌اند (Whitcomb 1976:364) ولی حتی با فرض درست بودن چنین امری فراهخامنشی یا ساسانی بودن بنا یا آتشکده احتمالی جای تحقیق و تفحص دارد. گویانکه با توجه به نوشته‌های تاریخی ساسان، پدر بزرگ اردشیر بابکان موسس سلسله ساسانی، موبد موبدان آتشکده آناهیتای استخر بوده است (لوکونین ۱۳۶۵:۴۴).

برخلاف متون که در مورد دوران طولانی فراهخامنشی استخر اطلاعات بسیار کمی به ما می‌دهند، شواهد باستان‌شناسی در این زمینه مدارک بیشتری را ارائه می‌کنند. در سمت شرقی سازه موسوم به مسجد و با فاصله کمی از آن باقی مانده بنای دیگری وجود دارد که با توجه به خصوصیات ظاهری آنها مربوط به دوران فراهخامنشی منطقه است (هرتسفلد ۱۳۸۱:۲۸۳). کاربرد و دوره زمانی دقیق این بنا نامشخص است. هر چند هرتسفلد آن را بنایی عمومی دانسته که در دوران اولیه ورود اسلام مورد استفاده مسلمانان بوده، ولی خود او مصالح آن را مربوط به دوره فراهخامنشی می‌داند. این بنا ستونهایی با قطر حدوداً ۱ متر دارد. ستونها تنه‌ای صاف دارند و از نظر ظرافت

اسلام به فارس شهر استخر هنوز از مهمترین شهرهای منطقه فارس محسوب می‌شده است (لسترنج ۱۳۳۷:۲۹۶). در طول سده اولیه ورود اسلام به فارس به علت شورشهای مداوم اهالی استخر و سرکوب متوالی آنها توسط اعراب که نمونه‌های آن در سالهای ۳۹، ۲۸ و ۶۸ هجری روی ناد (فسایی ۱۳۷۸:۱۷۹)، شهر استخر متحمل خسارت و ویرانیهای بسیاری گردید. با تاسیس و بنیانگذاری شیراز در سال ۷۴ هجری توسط محمد بن یوسف ثقفی (فسایی ۱۳۷۸:۱۸۸) این شهر بیش از پیش رو به زوال رفت و بسیاری از ساکنان آن پراکنده شدند تا حدی که به صورت یکی از دهاتهای اطراف خود درآمد (Whitcomb 1976: 370). سرانجام ضربه نهایی به استخر را در سال ۴۳۶ هجری محی الدین ابوکالیجار (مصمام الدوله دیلمی) وارد آورد و بعد از لشکرکشی به این شهر و خرابی برج و باروی آن ساکنین استخر را به شیراز کوچانید (سامی ۱۳۴۲:۲۰۷). بعد از این ویرانی استخر به صورت دهی بسیار کوچک درآمد چنان که این بلخی در قرن ششم هجری از آن به عنوان دهی که صد مرد در آن زندگی می‌کنند نام برده است. به نظر می‌رسد آخرین استقرارهای استخر مربوط به قرون ۸ و ۹ هجری (۱۳۰۰-۱۵۰۰ میلادی) باشد (Whitcomb 1976) و بعد از این دوران این محوطه به طور کامل متروک گردیده است.

پیشینه پژوهشهای باستان‌شناسی

مطالعات و فعالیتهای باستان‌شناسی در استخر برای اولین بار در دهه ۱۹۳۰م شروع شد. ارنست هرتسفلد نخستین بار در سال ۱۹۳۲ در این محوطه و در محل سازه موسوم به مسجد دوران اولیه اسلامی آن کاوش کرد. در سال ۱۹۳۴ هرتسفلد مجدداً و این بار در محوطه شرقی شهر به کاوشهای جدیدی پرداخت. او در کتاب خود با عنوان «ایران در شرق باستان» به برخی یافته‌ها و نتایج این کاوشها اشاره کرده است (هرتسفلد ۲۸۲:۱۳۸۱) با جایگزین شدن اشمیت در سال ۱۹۳۴ به جای هرتسفلد مهمترین کاوشهای شهر استخر بوسیله او و در سالهای ۱۹۳۵ و ۱۹۳۷م. انجام شد. فعالیتهای اشمیت نقطه عطفی در مطالعات باستان‌شناسی شهر استخر در زمان خود محسوب می‌شود. او با توجه به تحلیل عکسهای هوایی که خود آنها را تهیه کرده بود در نقاط مختلفی از سطح تپه به حفر گمانه‌های آزمایشی پرداخت. اشمیت همچنین نقاطی را که خود و هرتسفلد کاوش کرده بود را بر روی نقشه پیاده کرد (نقشه شماره ۲). بعد از کارهای اشمیت و هرتسفلد در استخر کاوشهای این محوطه متوقف گردید و ۱ تاکنون دیگر مورد بررسیهای باستان‌شناسی قرار نگرفته است. هر چند تجویدی در گزارشهای خود به انجام برخی فعالیتهای باستان‌شناسی اشاره کرده، ولی حد و حدود این فعالیتهای او به درستی مشخص نکرده است (تجویدی ۱۳۵۵:۲۷).

شواهد باستان‌شناسی

با توجه به شواهد باستان‌شناسی موجود شهر استخر دارای سابقه استقراری چند هزارساله است. به دست آمدن قطعاتی از سفالهای منقوش پیش از تاریخی در کاوشهای این محوطه سابقه استقرار در آن را

دوره‌های مختلف تاریخی (فراهخامنشی، ساسانی، عرب-ساسانی و اسلامی) اشاره کرد.

به نظر می‌رسد بررسی و مطالعات باستان‌شناسی محوطه باستانی شهر استخر با توجه به غنای آثار و شواهد باستانی آن بتواند به بسیاری از سوالات و ابهامات مربوط به دوره‌های مختلف تاریخی منطقه فارس و به طور کلی ایران پاسخ گوید. به نظر می‌رسد هیچ یک از محوطه‌های دوره تاریخی فارس به اندازه استخر دارای تداوم سکونت نبوده‌اند و همین امر بیانگر اهمیت این محوطه در دوره‌های مختلف تاریخی است. گستردگی این محوطه و تنوع آثار و شواهد باستان‌شناسی که قسمت کمی از آنها در اینجا معرفی شد دلیلی بر این مدعا است. متأسفانه نزدیکی استخر به محوطه‌های باستانی مشهور مانند تخت جمشید نقش رستم و پاسارگاد باعث شده است که همواره تحت الشعاع آنها قرار گرفته و هرگز به طور جدی و مستقل مورد بررسی و مطالعه قرار نگیرد، چنانچه چند باری هم که استخر در گذشته مورد کاوش قرار گرفته است در چهارچوب کاوشهای تخت جمشید بوده و صرفاً برای شناسایی استقرارهای اطراف تخت جمشید این محوطه نیز مورد اندک مطالعاتی قرار گرفته است.

اخیراً بنیاد پژوهشی پارسه-پاسارگاد (که با هدف ساماندهی و تدوین مطالعات باستان‌شناسی انجام شده در دشت مرو دشت و انجام پژوهشهای جدید تشکیل شده است) فعالیت‌هایی را در این زمینه آغاز کرده است. در چهارچوب فعالیت‌های این بنیاد نگارنده نیز پژوهشی در قالب بررسی توالی استقرارهای استخر در دوره تاریخی (مستند بر مدارک باستان‌شناسی) آغاز کرده است. امید است توجه بنیاد پارسه-پاسارگاد زمینه آغاز مجدد فعالیت‌های باستان‌شناسی شهر استخر را مهیا کند.

پی‌نوشتها:

- ۱- این پژوهش با کمک علمی و اعتباری بنیاد پژوهشی پارسه-پاسارگاد انجام شده است.
- ۲- امروزه این رود با عنوان «سیونند» شناخته می‌شود. با وجود این، نام واقعی آن که در متون نیز با آن نامیده شده «پلوار» یا «پلور آب» است که براساس فارسنامه ابن بلخی این نام (پرواب) مربوط به دهی است که این رود از آن سرچشمه می‌گیرد (ابن بلخی ۱۳۷۴: ۳۶۴).
- ۳- استخر علاوه بر نام شهر، نام کوره وسیع استخر نیز بوده است و بیشترین وسعت را نیز در بین کوره‌های فارس در برمی‌گرفته. چنانچه از جهت شرقی یزد نیز جزء این کوره بوده است. برای اطلاع بیشتر به فارسنامه ابن بلخی (صص ۲۰۷-۲۸۶) مراجعه شود.
- ۴- محل این آتشکده امروزه شناخته شده نیست و نمیتوان گفت که آیا آن در محدوده شهر استخر امروزی قرار داشته است و یا در محوطه ای دیگر. برخی پژوهشگران نقش رجب و برخی نیز نقش رستم را محل این آتشکده ذکر کرده‌اند با این وجود هیچ کدام از این اظهارات قطعی نیستند.

منابع

- ابن بلخی ۱۳۷۴ فارس نامه. براساس متن مصحح لسترنج و نیکلسون. تصحیح و تحشیه از دکتر منصور رستگار فسایی، شیراز: بنیاد فارس‌شناسی حسینی فسایی، حاج میرزا حسن ۱۳۷۸ فارسنامه ناصری. تصحیح و تحشیه: دکتر منصور رستگار فسایی. تهران: امیر کبیر.

نیز نسبت به سنگتراشیه‌های دوره هخامنشی دارای ظرافت کمتری هستند (تصویر ۴) قسمتی از پلان این بنا را می‌توان با توجه به باقی‌مانده خطوط دیوارهای سنگی که هنوز قابل تشخیص هستند، بازسازی کرد. سنگهای به کار رفته در دیوارها (که امروزه قسمتهایی از آنها در سطح محوطه قابل تشخیص است) به صورت تراشیده شده و دارای اندازه‌هایی تقریباً یکسان هستند. سرستونهای این بنا که تقریباً همه آنها امروزه (جهت حفاظت) به تخت جمشید منتقل شده‌اند دارای سبک ایونیک و کورنتی هستند (تصویر ۵) که البته تفاوت‌های عمده با مشابه‌های یونانی خود دارند. هر تسفلد این ستونها را به سده سوم قبل از میلاد نسبت داده است (هرتسفلد ۱۳۸۱: ۲۸۳).

در ضلع جنوبی شهر استخر و در کنار جاده شیراز به اصفهان یک سازه سنگی دیگر قرار دارد که جاده آن را از محوطه اصلی شهر استخر جدا کرده است (تصویر شماره ۶) از این بنا که با تخته سنگهای بزرگ تراشیده شده ساخته شده، عمدتاً با عنوان دروازه شهر استخر نام برده شده است و حتی هر تسفلد از آن به عنوان دروازه اصلی شهر استخر نام برده است (هرتسفلد ۱۳۸۱: ۲۸۲). با کمی دقت در موقعیت قرارگیری این سازه و پلان آن می‌توان گفت که این سازه حداقل در شرایط عادی نمی‌توانسته چنین کاربردی داشته باشد (به فرض اینکه این بنا دروازه شهر بوده باشد با توجه به موقعیت شهر در هنگام ورود و خروج به شهر می‌بایست از کوه بالا یا پایین رفت که این امر مخصوصاً برای ارباب‌ها و گاریها بسیار دشوار بوده است). تنها چیزی که به طور نسبی می‌توان در مورد آن فهمید ساسانی بودن این سازه است که این امر با توجه به نوع تراش سنگها و مشابهتهای آنها با برخی از سنگ‌تراشیهای ساسانی قابل اثبات است. با این حال کاربرد دقیق این بنا از ژرسشهای مهم باستان‌شناسی شهر استخر است.

بقایای چندین سازه معماری دیگر در حاشیه محوطه، قابل تشخیص است: از جمله آنها می‌توان به بقایای ۴ پل یا پل‌بند اشاره نمود که بر روی رود خانه سیوند احداث شده و احتمالاً پلهای ارتباطی شهر برای عبور از روی رودخانه بوده‌اند. همچنین بقایای حصار و دیوارهای شهر را می‌توان به خوبی در جهت‌های جنوب غربی، غرب و شمال غربی تشخیص داد (تصویر ۷).

علاوه بر سازه‌های معماری و آثاری که در سطح محوطه پراکنده‌اند می‌توان به آثار زیادی اشاره کرد که از کاوشهای این محوطه بدست آمده است. بخش بزرگی از این آثار را سفالینه‌های استخر تشکیل می‌دهند. اغلب سفالینه‌های بدست آمده از استخر بدون لعاب و دارای نقوش قالب زده بسیار متنوع است. این سفالینه‌ها غالباً به سده‌های اولیه اسلامی نسبت داده شده‌اند. اشمیت درباره سفالینه‌های استخر می‌گوید: «هنگامی که کار طراحی و طبقه‌بندی ظروف سفالی استخر صورت پذیرد، خواهد توانست به همراه ری و فسطاط به عنوان یکی از مراکز شناخت ما از سفال دوران اولیه اسلامی مطرح شود» (Schmidt 1939: 112).

از دیگر اشیاء بدست آمده از کاوشهای شهر استخر می‌توان به مجموعه‌ای از ظروف شیشه‌ای و تعداد قابل توجهی از سکه‌های

۱۳۷۹ مسالک و ممالک. به اهتمام ایرج افشار، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار سلوود، دیوید
 ۱۳۷۳ دولتهای کوچک جنوب ایران، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، گردآورنده احسان یار شاطر، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیر کبیر شوست، پاول
 ۱۳۷۲ جغرافیای تاریخی فارس، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ویلیامسون، آندره
 ۱۳۵۱ تجارت در خلیج فارس در دوره ساسانیان و در قرون اول و دوم هجری، باستانشناسی و هنر ایران، شماره نهم و دهم
 عسکری چاوردی، علیرضا
 ۱۳۷۸ فارس پس از داریوش سوم، نویافته‌هایی از یک مجموعه باستانی در لامرد: فارس، مجله باستانشناسی و تاریخ، سال سیزدهم، شماره دوم
 مسعودی، ابوالحسن. علی ابن حسین
 ۱۳۷۴ مروج الذهب (۲جلد)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی غیر فارسی)

Bier, Lionel

1983 Sculpted building block from Istakhr. Archaeologische mittlungen aus Iran. Band 16. Berlin, pp.316-307

Hinds, Martin,

1984 the first Arab conquests in Fars, Iran. vol XXII, pp.39-5 Kleiss, Wolfram

1994 Istakhr und umgebung, archaologische beobachtungen und befunde-archaologische mittlungen aus Iran, band 17, Berlin, pp.165-189

Schmidt, Erich

1939 The treasury of Persepolis and other discoveries in the homeland of the Achaemenians. University of Chicago.

Sumner, William

Achaemenid settlement in the Persepolis plain. American journal of archaeology. vol. 90, pp. 3-15.

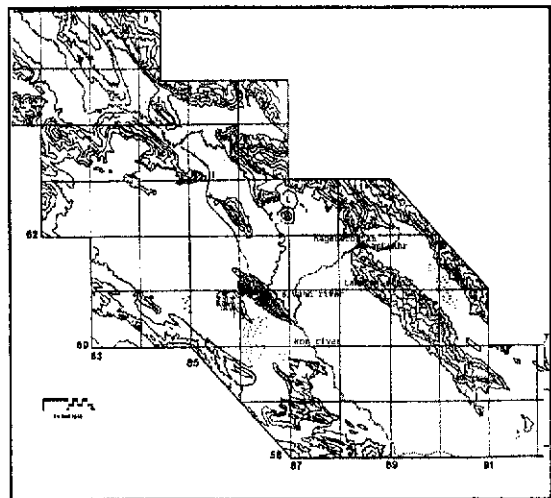
Whitcomb, Donald

1979 The city of Istakhr and the Marvedasht plain. Ikten des VII, Internationalen kongresses fur iranische kunst und archaologie, Munchen. 7-10 September, pp.363-370, in , archaologische mittlungen aus Iran, Berlin.

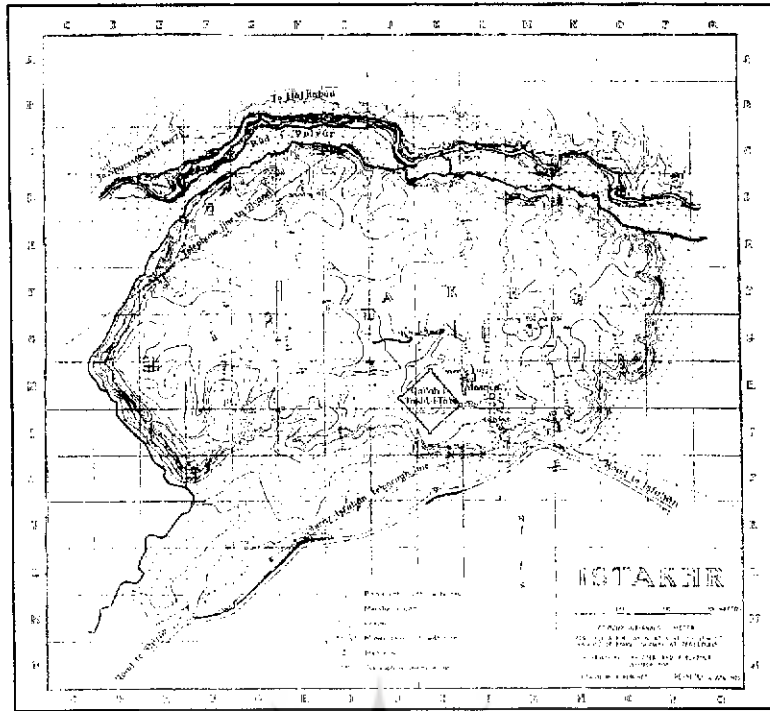
مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد
 ۱۳۶۱ احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علی نقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران
 دریایی، تورج
 ۱۳۸۱ سقوط ساسانیان (فاتیحین خارجی، مقاومت داخلی و تصویر پایان جهان)، ترجمه منصوره اتحادیه و فرحناز امیر خانی حسینیک لو، تهران: نشر تاریخ ایران
 سامی، علی
 ۱۳۳۱ آثار باستانی جلگه مرو دشت، بی‌جه، بی‌نام
 کریستین سن. آرتور
 ۱۳۷۸ ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران: صدای معاصر
 لسترنج، گای
 جغرافیای سرزمینهای خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب
 سامی، علی
 ۱۳۴۲ تمدن ساسانی، جلد اول و دوم. چاپخانه موسوی شیراز
 کالج، مالکوم
 ۱۳۷۴ اشکانیان، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: دنیای کتاب
 تجویدی، اکبر
 ۱۳۵۵ دانستنیهای نوین در مورد هنر و باستان‌شناسی عصر هخامنشی (بر بنیاد کاوشهای پنج ساله تخت جمشید)، تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر
 فرای، ریچارد نلسون
 ۱۳۶۳ عصر زرین فرهنگ ایران، ترجمه مسعود رجب نیا، چاپ دوم، تهران: سروش
 بریان، پی بر
 ۱۳۷۷ تاریخ امپراتوری هخامنشیان، ترجمه دکتر مهدی سمسار، تهران: زریاب
 سامنر، ویلیام ماروین
 ۱۳۷۷ «بررسیهای فراگیر منطقه‌ای در خاور نزدیک: نمونه‌ای از ایران»، ترجمه کامیار عبیدی، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال سیزدهم، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۳۷۷
 هرتسفلد، رنست
 ۱۳۸۱ ایران در شرق باستان، ترجمه همایون صنعتی زاده، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دانشگاه شهید باهنر کرمان
 شیرازی، میرزا فرصت
 ۱۳۵۴ آثار عجم، به اهتمام عبدالله تهرانی، بمبئی
 کالسینکف، آ. ایوانوویچ.
 ۱۳۵۵ ایران در آستانه یورش نازیان، ترجمه م. ر. یحیایی، تهران: آگاه
 کامبخش فرد، سیف‌الله
 ۱۳۸۰ آثار تاریخی ایران، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور
 کیانی، محمد یوسف
 ۱۳۷۴ پایتختهای ایران، چاپ اول، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور
 استخری، ابو اسحق ابراهیم



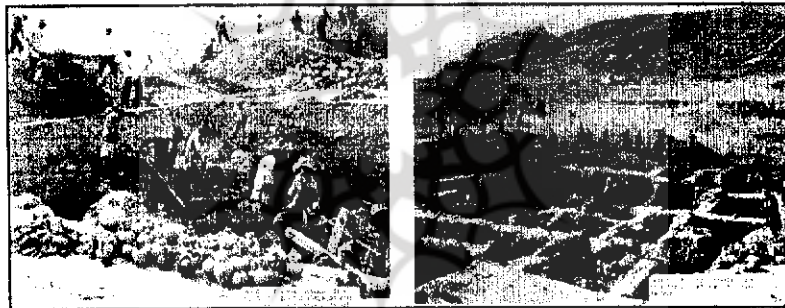
تصویر ۱. استخر: عکس هوایی ۱:۸۰۰۰



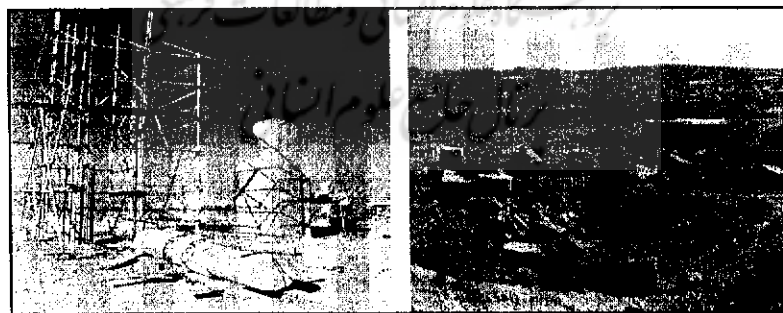
نقشه ۱. موقعیت استخر در جلگه مرو دشت



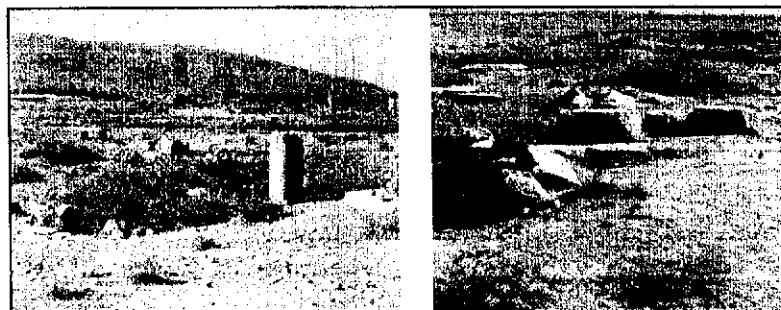
نقشه ۲. شهر استخر. (Schmidt 1939:108)



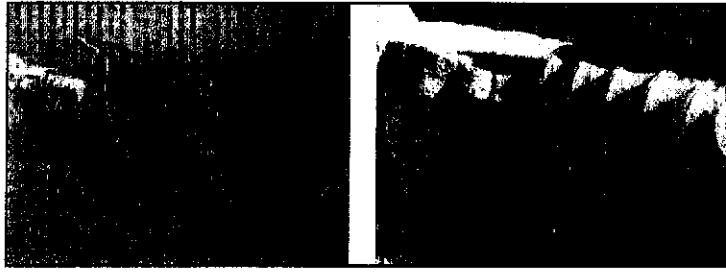
تصویر ۲. کاوشهای اشمیت در استخر و بخشی از آثار به دست آمده.



تصویر ۳. استخر (سازه الف)، (مسجد)



تصویر ۴. استخر (سازه ب). یک کاخ یا بنای عمومی (۴)



تصویر ۵. استخر؛ سرستونهای سنگی، (نگهداری در تخت جمشید)



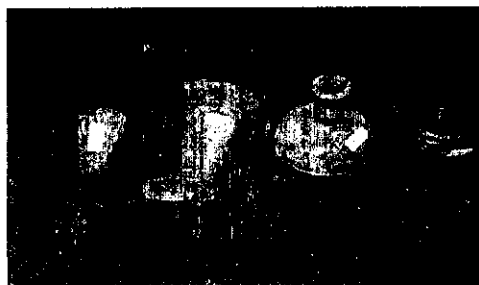
تصویر ۶. استخر (سازه ج)، بنای موسوم به دروازه شهر استخر



تصویر ۷. ضلع غربی باروی شهر استخر



تصویر ۸. ظروف سفالی استخر؛ ۱. موزه تخت جمشید، ۲. موزه شرق شناسی شیکاگو



تصویر ۹. تعدادی از ظروف شیشه ای به دست آمده از کاوشهای استخر